

بازشناسی شعای فردی امام حسین زیارت ناحیه

علی اقلیدی نژاد

فرهنگ سازان عاشورا

اما واقعیت آن است که اگر ابعاد کربلا به وسیله بازماندگان و میراث‌داران آن حادثه تاریخی ترویج نمی‌گردید، این قیام نیز به مانند برخی حوادث دیگر به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شد. در حقیقت چنانچه نهضت ترویج عاشورا از زمان ورود اسرا به کوفه آغاز نمی‌گردید، حادثه کربلا نمی‌توانست در برابر آماج تبلیغات

با وقوع حماسه کربلا، زنجیره نهضت‌های شیعی پدید آمد. این حادثه نه تنها الگویی حماسی - ارزشی برای شیعه به میراث گذاشت بلکه انسجام و قوام سیاسی - اجتماعی شیعیان را نیز موجب گردید. «خر بوطلی» یکی از دانشمندان معاصر در همین رابطه می‌نویسد: «شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا بزرگترین حادثه تاریخی بود که منجر به تشکیل و تبلور شیعه گردید و سبب شد که شیعه به عنوان یک سازمان قوی با مبادی و مکتبی سیاسی - دینی مستقل در صحنه اجتماع اسلامی آن روز جلوه کند.^۱»

۱. خر بوطلی، انقلاب‌های اسلامی، ترجمه عبد الصاحب یادگاری، ص ۷۳، به نقل از پیامدهای اجتماعی نهضت حسینی، شمس الله مریجی، معرفت، شماره ۵۹، ص ۳۶.

راویان مکتوب گردید و ذخیره‌ای ارزشمند - با سطوح مختلف - را برای نسلهای آینده به وجود آورد. در این بین زیارت‌های عاشورایی از حال و هوا و ظرافتهای ویژه‌ای برخوردارند. در این متون، اهداف، حماسه‌ها، تداوم ارزشها، روش‌شناسی دشمنان در محور ارزشها و... بر شمرده می‌شود و بازبانی هماهنگ به یادآوری و نهادینه‌سازی فرهنگ عاشورا پرداخته می‌شود که این همگی، حکایت از تدبیر و دوراندیشی فرهنگ‌سازان این عرصه دارد.

با گذر از عصر ائمه، عالمان شیعه به جمع‌آوری و باب‌بندی روایات و اخبار پرداختند و در این میان زیارات نیز مورد توجه قرار گرفت. پدید آمدن کتابهای دعا و زیارتنامه‌ها به وسیله عالمانی همچون شیخ مفید صاحب المزار، علم الهدی صاحب مصباح الزائر و شیخ طوسی صاحب مصباح المتعجد، نشان از اهمیت این مقوله نزد این اندیشمندان دارد. این مسئله در

مخرب اموی و جوسازی آنان پایداری نماید و بی‌تردید به درد تحریف دچار می‌گردید. از این رو است که پیامهای پرشور زینبی، سیره امام سجاد علیه السلام در یادآوری حادثه خونبار عاشورا، جلسات نوحه و ندبه امام باقر علیه السلام و روایات و عملکرد دیگر ائمه علیهم السلام خطی واحد در فرهنگ سازی را پدید می‌آورد. حرکتی که کوشش دارد با تشویق مردمان، به ویژه شیعیان، مسیر سرخ عاشورا را از نسیان تاریخی حفظ نماید. بر همین اساس است که زیارت قبر سید الشهداء با تمام موانع و خفقان موجود واجب شمرده می‌شود و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَاجِبَةٌ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ»^۱ زیارت مرقد امام حسین علیه السلام بر زنان و مردان واجب است.»

فرهنگ‌سازی مکتوب

در کنار این تاکیدها امامان شیعه به یک فرهنگ شفاهی بسنده ننمودند، بلکه با فراهم‌آوری زیارت‌نامه‌ها به پدید آوردن یک فرهنگ مکتوب نیز یاری رساندند. این زیارت‌ها که ثمره سیره و گفتار ایشان بود، به وسیله

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۳۷، ح ۳۵۴.

در هر حال آنچه در این نوشتار در پی آن خواهیم بود گذری بر این گنج معنوی و بازشناسی سیمای فردی سید الشهداء در این زیارت گرانقدر است.

۱. نسب‌شناسی

در بحث از نسب، زیارت‌نامه‌ها بر دو نسب تکیه می‌کنند که در این صورت ضمن توسعه در مفهوم این واژه، حکایتی پندآموز را نیز به دنبال دارد.

الف - سلسله الهی:

در ابتدای برخی از زیارات حضرت امام حسین علیه السلام به ویژه زیارت ناحیه، آنچه برای ورود زائر پسندیده آمده است سلام بر انبیاء الهی است: «السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ... السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ...»^۱ این سلسله به همراه درودهای متصل و برشمردن صفات نیکوی هر کدام از این برگزیدگان ادامه می‌یابد تا به «السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصَفْوَتِهِ»^۲ سلام بر محمد، دوست برگزیده خدا.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

۲. زیارت ناحیه مقدسه، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۸.

قرنهای بعد نیز با کتابهایی همچون کامل الزیارات، المزار الکبیر و... پی گرفته شد و همچنان نیز با قالبهای گوناگون تاکنون به حیات خود ادامه داده است که آخرین نمونه آن را می‌توان مفاتیح الجنان به حساب آورد.

زیارت ناحیه

همانگونه که پیشتر اشاره شد، زیارت‌نامه‌ها دارای سطوح معرفتی مختلف بوده، از حیث ژرفایی و عمق مطالب با یکدیگر متفاوت هستند. از زاویه محتواشناسی و زیبایی‌واژگان، در بین زیارات موجود «زیارت ناحیه» از جمله متون دل‌انگیز و ژرفی به شمار می‌رود که منتسب به ناحیه امام عصر علیه السلام می‌باشد. علامه مجلسی این زیارت را - با اندک تفاوتی - از شیخ مفید، سید مرتضی و محمد بن المشهدی صاحب المزار الکبیر نقل می‌کند و پس از سخن مولف المزار الکبیر مبنی بر خروج این زیارت از ناحیه مقدسه امام آخر می‌نویسد: «وَالْأَظْهَرُ أَنَّ هَذِهِ الزِّيَارَةَ مَنْقُولَةٌ مِنْ رِوَايَةٍ»^۱ روشن است که این زیارت دارنده سند روایتی از امام معصوم است.^۲

می‌رسد.

نمی‌کنم.»

از این پس نیز سلامها به امیر مؤمنان، فاطمه زهرا، امام حسن و بالاخره سید الشهداء هدیه می‌شود. با پس‌زنی حجابها آنچه از میان این باغستان پر نشاط سلامها برمی‌آید، در واقع تنها عرض ادبی خالی نیست بلکه در این بین می‌توان «اتحادی معنوی» را نتیجه گرفت. فقرات زیارت به ما این‌گونه می‌فهماند که امام شهید در پیوندی معنوی با سلسله‌ای الهی است. او نسب به آدم نه از حیث صلب بلکه از حیث پیام‌آوری و رسالت‌داری می‌برد. به تعبیری او دارنده همه خوبیهای است که آن شریفان داشته‌اند. مگر نیست که او مصباح هدایت است و سفینه نجات و انبیاء نیز چنین بوده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»؛^۱ آنان را امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت کنند.

و انبیاء نیز اینچنین هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛^۲ آنانکه رسالت‌های الهی را رسانند و از او ترسند و از هیچ کس جز خدا نترسند.»

همو است که فریاد برمی‌آورد: «أُرِيدُ أَنْ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛^۳ فرمان به نیکیها و نهی از زشتیها را خواستارم.»

و انبیاء نیز از همین جام جرعه نوش شهادتند و رنگ آن می‌پذیرند. قرآن کریم درباره دشمنان پیامبران می‌فرماید: «وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْتُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ»؛^۴ «و مردمی را که به عدالت امر می‌نمایند به قتل می‌رسانند.»

او طاغوت می‌شکند و بعثت انبیاء نیز بر همین تعلق گرفته است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

مگر نیست که او در راه حق، ترسی نمی‌شناسد و می‌گوید: «لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فِي الدُّنْيَا مَلْجَأًا وَلَا مَأْوًى لَمَا بَأَيْعْتُمْ يَزِيدَ ابْنَ مَعَاوِيَةَ»؛^۵ اگر در دنیا پناه و پناهگاهی نباشد با یزید بن معاویه بیعت

۱. انبیاء/۷۳.

۲. العوالم العلوم، ص ۱۷۸.

۳. احزاب/۳۹.

۴. حیات الامام الحسين بن علی، دراسة و تحليل، ج ۲، ص ۲۶۴.

۵. آل عمران/۲۱.

حسین علیه السلام همه عضو قبیله ای الهی و حزب رحمانی می باشند و چه نسبی شریفتر و برتر از این می توان یافت.

ب - سلسله صلبی

در این بخش، زیارتنامه ها بیشتر با ظرافتی ویژه به نسب او از حضرت خاتم می پردازد: «السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى...»^۴

در مقام کنونی نیز شاید آنچه بیش از سلسله صلبی قابل ملاحظه باشد همین پیوند معنوی است، چرا که آنچه پس از این مورد تأکید قرار می گیرد صعود به جنبه های معنوی است، آنجا که باید گفت: «السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ زَمْرَمَ وَالصَّفَا»^۵

بلکه اگر گامی فراتر نهم این درودها وارد جنبه هایی عمیق تر

الطَّاعُونَ»؛^۱ «در هر امتی رسولی برگزیدیم تا مردمان را به عبادت خدا و پرهیز از طاغوت دعوت نمایند.»

او رهایی عباد را از «زندان جهالتها» می طلبد. در زیارت می خوانیم: «وَيَذَلُّ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ تَقْدِ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةَ الصَّلَاةِ»^۲ خون خویش را در راه آزادی بسندگان از جهالت و سرگردانی آنان در گمراهی نثار کرد.»

انبیاء نیز پیوند خویش را با خدا اینچنین استوار می کنند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛^۳ «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند، تزکیه می کند و کتاب و حکمت می آموزد و مسلماً پیش از این در گمراهی آشکار بودند.»

و این نیز بگذاریم و بگذریم تا شاید در آنچه آینده خواهد آمد بتوانیم گوشه هایی دیگر را ببینیم. و این همه نشانگر آن است که از نخست انبیاء تا

۱. نحل / ۳۶.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

۳. جمعه / ۲.

۴. زیارت ناحیه مقدسه، ص ۲۰.

۵. همان، ص ۲۲.

نیست که کیفیت این ماجرا به چه گونه است؟ و در تفسیر این بخش بایستی از کجا سود جست؟ اما دست کم این ماجرا نشان از حضور ملکوتی و خادمانه فرشتگان در پیشگاه این خاک نشینان لاهوتی دارد.

۳. ویژگی حاکم در زندگانی

در دوران زندگی، قیام و شهادت امام حسین بن علی علیه السلام، آن اصل حاکم و غیر قابل نفوذی که همچون پرتویی قدرتمند وی را تحت تأثیر قرار می داده است، اطاعت از خدا، پیروی از رسول خدا و شنوایی آگاهانه از وصی خدا و پایبندی به وصیت حجت خدا بوده است. این اصل الگو در لسان زیارت این چنین آمده است: «وَكُنْتُ لَهِ طَائِعاً وَ لِحَدِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَابِعاً وَ لِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعاً وَ لِوَالِي وَصِيَّتِهِ أَخِيكَ مُسَارِعاً»^۱؛ تو فرمانبردار خداوند و پیروی کننده جدت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پذیرای گفتار

می شوند و علت این همه سپاس را در مجاهدتی خونین، صبری ستبر و عصمتی به همراه اصحاب کساء می جویند: «السَّلَامُ عَلَى الْمُرْتَمِلِ بِالدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْعَبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى خُمَاسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ»^۱ سلام بر آن که پیکرش به خون آغشته گردید، سلام بر آن کس که حرمت خیمه گاهش شکسته شد، سلام بر پنجمین از اصحاب کساء.»

و چه زیبا و عارفانه است این سلامها و چه شعله ای می اندازد به خرمن خرد و عاطفه.

۲. در مهده

شاید یکی از زیاراتی که به صورتی کوتاه بر محور نوزادی حضرت گردشی کوتاه دارد همین زیارت است. در بخشی از آن می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ افْتِخَرٍ بِهِ جَبْرَيْئِيلُ، السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ نَاغَاةٍ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ»^۲ سلام بر آن که جبرئیل به او افتخار می کرد. سلام بر آن کس که میکائیل با او در گهواره سخن می گفت و شادمانش می ساخت.»

اگر چه برای بسیاری معلوم

۱. همان، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۳۰، جهت اطلاع بیشتر نک: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۸. هر چند در این مورد از جبرئیل نام برده شده است نه میکائیل.

۳. زیارت ناحیه، ص ۳۸.

پدرت و پیشی گیرنده به انجام وصیت برادرت بودی.»

یا آنجا که می‌گوید: «سَالِكًا طَرَائِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، مُشْبَهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ؛^۱ تو پوینده راه جد و پدرت و در سفارشها همانند برادرت بودی.»

بی‌گمان این قانون و الگو، برای هر آزادیخواه طرفدار مکتب خونین حسین علیه السلام خط کشی بی‌خطا و معیاری بی‌اشتباه است.

۴. بندگی

در فرهنگ اسلامی، از جمله محکهای بازشناسی عیار انسانیت برپاداری تکالیف الهی است. و حسین علیه السلام بر اساس زیارت حاضر، تکالیف خویش را در سه عرصه عبادی فردی، اقتصادی و اجتماعی، به نیکی به سرانجام می‌رساند؛ چنانچه می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعَدْوَانَ؛^۲ گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات داده به نیکی فرمان و از زشتی و تجاوز بازداشتی.»

برپایه این زیارت، بندگی در اقامه نماز به تنهایی حاصل نمی‌گردد بلکه

آن کس طعم شیرین عبودیت و بندگی را می‌چشد که در تمامی عرصه‌ها سر بر آستان الهی بساید و در میانه شبهای تار شب را زنده داشته، خاضعانه و خاشعانه در رکوع و سجده‌ای طولانی راه عزت پیماید. «كُنْتَ... مَتَهَجِّدًا فِي الظُّلَمِ... طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؛^۳ اهل تهجد در تاریکیها بودی و رکوعها و سجده‌های طولانی داشتی.»

۵. پاکیزگی معنوی

در زمانه‌ای که اشباح شیطانی جن و انس با هجوم همه جانبه‌شان بدعتها را رواج و سنتهای اصیل را به عقب می‌رانند و لغزشگاههای بسیار و دزه‌های هولناکی را فرا روی مؤمنان قرار می‌دادند، بایستی کسی می‌بود تا همچون دژی تسخیرناپذیر مظهر طهارت و پاکی باشد. و پنجمین اصحاب کساء مصداق همین پاکی است و بایستی به او خطاب کرد: «السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ طَهْرَةِ الْجَلِيلِ؛^۴ سلام بر آن

۱. همان، ص ۴۲.

۲. همان، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۴۲ و ۴۴.

۴. همان، ص ۳۰.

کسی که خدای بزرگ او را پاک و مطهر قرار داد.» چرا که او دارندهٔ سند بندگی است با مهری از اخلاص و همین است که احساس شیطان در پیشگاه او عجز و حقارت است. همان شیطان که گفت: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَا غَوْ يَتَّهِمُ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾؛^۱ «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگانی از بین آنان که خالص شده‌اند.»

۶. شکیبایی و حسابگری

در راهی که سرور شهیدان برگزید و بر آن راه هر چه داشت گذاشت، دو خصلت مدام در کنار یکدیگر می‌بایست باشند تا بیمه‌گر سعادت گردند. چه، کاستی در هر کدام باعث نابودی سرمایه و هدر رفتن توان است. این دو یار جدا ناشدنی در طریقت حسینی، شکیبایی و حسابگری با خداست. حسین کالای هستی خویش را به بازار کسی جز خدا نمی‌برد، همان خدا که سند معامله با مؤمنان را امضاء کرده و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾؛^۲ «خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری کرده، که [در برابر آن]

بهشت برای آنان باشد.» او از جد، پدر و مادرش به خوبی آموخته است که کالای او را جز خدا اجر نمی‌دهد. همان خدایی که فرمود: ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾؛^۳ «من در برابر این دعوت از شما اجر نمی‌طلبم، اجر و پاداش من فقط بر پروردگار عالمیان است.» و از آن سو راه بازار خدا، سخت است و مرکبی جز شکیبایی نمی‌طلبد و او چه نیکو به این هر دو عامل بود که خود نیز بر همین راه رفت و گفت: «اللَّهُمَّ صَبْرًا وَاجْتِسَابًا بِفَيْكَ»؛^۴ خداوند! به خاطر صبر و حسابگری در راه تو [چنین می‌کنم].»

پس حق است که در خطاب به او چنین بگوئیم: «السَّلَامُ عَلَى الْمُخْتَسِبِ الصَّابِرِ»؛^۵ سلام بر حسابگر صبر کننده.»

۷- بر ساحل صفات

در فرازهایی از زیارت، کشتی

۱. ص/۸۲-۸۳

۲. توبه/۱۱۱

۳. شعراء/۱۶۴

۴. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۰۲

۵. زیارت ناحیه، ص ۲۸

این نوشتار کوتاه بیرون است.

۸. دار دنیا

در فرهنگ زیارت ناحیه، نگاه حسین علیه السلام به دنیا نیز کاویده می شود که به اختصار به پردازش این فراز نائل می شویم.

الف - گذرگاه، نه قرارگاه

بدیهی است که سنت حضرت رب بر حضور انسان در زمین تعلق گرفته است و این سرنوشتی است گریزناپذیر. اما آنچه مهم است کوتاهی مدت قرار در این گذرگاه است، چه اینکه خداوند فرمود: «وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»^۱؛ «زمین برای شما تا مدتی قرارگاه و وسیله بهره‌برداری خواهد بود». از این رو دنیا پل است برای عبور، نه قرارگاهی برای آسودن و غنودن. تعبیر رسا، کوتاه، شیوا و ارزشمند مولی الموحدين نیز بر همین محور می چرخد که: «الدُّنْيَا، دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ»^۲؛ دنیا خانه گذر است، نه منزل قرار.^۳

۱. همان، ص ۴۲.

۲. بقره/۳۶۱.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳، ص ۶۵۶.

صبر، طاقت از کف می دهد و حیران و سرگشته بر ساحل صفات تنها به نظاره می نشیند؛ چرا که هر کدام کتابی گران وزن و گران سنگ و قلمی غیر از این قلمها می طلبد. پس بیاید با یکدیگر روحمان را بر بال پیوند زده از آسمان بر آنها بنگریم که تنها از این رهگذر حدی برای آنها متصور است. «كُنْتَ... قَوْمِ الطَّرَاقِي، كَرِيمِ الْخَلَائِقِ، عَظِيمِ السَّوَابِقِ، شَرِيفِ النَّسَبِ، مُنِيفِ الْحَسَبِ، رَفِيعِ الرَّتَبِ، كَثِيرِ الْمَنَاقِبِ، مَخْمُودِ الضَّرَائِبِ، جَزِيلِ الْمَوَاهِبِ، حَلِيمِ رَشِيدٍ مُنِيبِ جَوَادٍ عَلِيمِ إِمَامٍ شَهِيدٍ أَوْاهِ حَبِيبٍ مَهَبٍ»^۱؛ تو اینچنین بودی ... بر راههای استوار گام می نهادی، در بین مردمان بخشنده و بزرگوار بودی، گذشته‌ای با عظمت، نسبی شریف، حسبی والا و رتبه‌ای عالی داشتی. دارنده فضایل بسیار با سرشتهای ستایش شده و موهبتهای فراوان بودی و بردبار و کمال یافته، رو به سوی خدا کرده، بخشنده، دانا، راهبری شهید، زاری کننده و محبوب و دارای وقار بودی.»

در دل این همه بزرگی، صفات

دیگری نیز یافت می شوند که از عهده

زهد و بی‌نیازی، هر دو از پررنگترین رنگهای این مکتب است. و زهد به فرمایش مولای موحدان «کوتاه کردن آرزوست»^۴ و بی‌نیازی یعنی ترک آرزو.^۵

در دانشگاه سید الشهداء مدرک شهادت داده می‌شود و در این راه می‌بایست واحدهای ایثار و نثار را گذرانند. در کلاس مولایمان حسین علیه السلام این فرهنگ رایج است که: «كُنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِنْهُ تَجِبُونَ»؛^۶ «هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینسکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.» و این همه سخت با آرزو - این فرزند دنیا - ناسازگار است. پس باید همچون او بود که خطاب به او می‌گوئیم: «أَمْأَلَكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ»^۷

۱. زیارت ناحیه، ص ۴۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۹، ص ۶۵۳.

۳. زیارت ناحیه، ص ۴۴.

۴. «أَلْزَاهَادَةَ قَضَى الْأَمَلِ». (نهج البلاغه، خطبه ۸۱ ص ۱۲۸)

۵. «أَشْرَفَ الْغِنَى تَرَكَ الْمُنَى؛ بالاترین بی‌نیازی ترک آرزوهاست.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴، ص ۶۳۰)

۶. آل عمران/۹۲.

۷. زیارت ناحیه، ص ۴۴.

سیمای حضرت سید الشهداء علیه السلام در این عرصه چنین شناسانده می‌شود که: «زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زَمَدَ الزَّاحِلِ عَنْهَا»^۱ در دنیا همچون آنانکه در آستانه کوچ از دنیا هستند زهد ورزیدی.»

ب- نگاهی وحشت‌زده

حسین علیه السلام در قعر دره دنیا فرو نمی‌رود و بر دیوارهای نااستوار آن گام نمی‌نهد. او از پدر آموخته است که: «مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيْتِنَ مَسَّهَا وَالسَّمُ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا النَّعْرُ الْجَاهِلُ وَيَخَذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ»^۲ دنیا چون ماری پوست نرم و سمی است. نادان نیرنگ خورده به او می‌گراید و هوشمند عاقل از آن می‌پرهیزد. از این رو در زیارت ناحیه خطاب به امام حسین علیه السلام این ویژگی او را چنین بیان می‌کنیم: «نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا»^۳ از دریچه نگاه وحشت‌زدگان به دنیا نگرستی.»

ج- بازداشت آرزوها

همگی ما طعم دنیا چشیده‌ایم و به روشنی آگاهیم که آرزو فرزند ماندگار دنیا است. تا دنیا باقی است، آرزو نیز از کنار مادر شیر می‌نوشد. اما هر که سر بر آستان حسین می‌گذارد باید بداند که

آرزوهایت از دنیا باز داشته شده است.»

د- زیورها

دنیا بسان نوعروسی است فریبنده و افسونگر، اگرچه متاعش ناپایدار است اما بسا افراد در دوستی اش یکدل و پایدارند و در به فراموشی سپردن فنا پذیریش متحد. اگر چه زندگانش کوتاه و ارزشش ناچیز است اما زیورهایش چشمها را کم کور نکرده است و کم انسانها را در پی خویش خسته و درمانده نساخته است.^۱ و چه هشدارى دارد کلام الهی در این باره که: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ»؛^۲ «محبت شهوتها برای مردم زینت داده شده است.» مال و فرزند و زن و سیم همه زینتند اما در این سیاه بازار اوهام فریاد علی علیه السلام بلند است که «عُرِّي غَيْرِي»؛^۳ دیگری را فریب ده.» و حسین علیه السلام که ادامه زندگانی او است، جز این نمی تواند باشد. پس او نیز همتش از زیورها و زینتهای دنیوی منصرف و به جهان باقی مایل است. «وَهَمَّتْكَ عَنْ زِينَتِهَا مَضْرُوقَةٌ... وَرَغَبْتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَغْرُوقَةٌ»؛^۴ تلاشت از زیورهای دنیا بسوی دیگر بازگشته و گرایش به

سوی آخرت بر همگان روشن است.» از این رو در عاشورا زینتهای اجباری این دنیا را به درخت بی زوال «باقیات الصالحات» پیوند می زند که خداوند فرمود: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا»؛^۵ مال و فرزندان زینت زندگی دنیا هستند و باقیات الصالحات ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است.»

حسین علیه السلام می خواهد در همه آزمایشها سرافراز باشد و این نیز عرصه آزمایش است. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا آفَؤُا لَكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»؛^۶ بدانید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است؛ و پاداش عظیمی نزد خداست.»

ه- شادمانه ها

در اندیشه سرور کربلائیان، دنیا

۱. با استفاده از حکمت ۷۷ نهج البلاغه، ص ۶۳۸.
۲. آل عمران/ ۱۴.
۳. نهج البلاغه، حکمت ۷۷، ص ۶۳۸.
۴. زیارت ناحیه، ص ۴۴.
۵. کهف/ ۴۶.
۶. انفال/ ۲۸.

القاب خاصی را به خویشان اختصاص داده است. این القاب را می توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. از جمله:

الف - لقبهای منزلتی:

این گونه القاب و توصیفات بیشتر ناظر به مقام شناسی و منزلت یابی حضرت در خصوص عصمت و امامت است. از این رو می توان این جملات یا واژه ها را به عنوان مباحث کلامی زیارت، مورد شناسایی قرار داد. «السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ»^۴ سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء. «یا السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۵ سلام بر حجت پروردگار جهانیان.

ب - لقبهای جهادی:

این گونه لقبها بر جنبه های حماسی تأکید می نمایند و کنایه ای از شجاعت و سلحشوری مولا می باشند، مانند: «السَّلَامُ عَلَى يَغُثُوبِ الدِّينِ»^۶ سلام بر رئیس بزرگ (پادشاه) دین.

۱. زیارت ناحیه، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. زیارت ناحیه، ص ۲۲.

۵. همان، ص ۲۶.

۶. همان، ص ۲۴.

محل شادمانه هایی متضاد است. او در مکتب پدر آموخته است که دنیا هم مزرعه عذاب است و هم مزرعه نجات. این خانه می تواند پندآموز عبرت پذیران و زاد دهنده دوراندیشان باشد. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان و فرودگاه کلام خداست. اینجا همان جا است که بایستی به تجارت با خدا رفت و نفس را نه به ثمن بنخس بلکه ثمن فروخت. حسین علیه السلام از شادمانه های دنیا اینچنین بهره می برد: همدمی با بیت و محراب. «وَأَنْتَ... جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ»^۱ همدم با خانه و محراب هستی. «او راه عزلت و بریدگی از شهوتها و لذات را می جوید. چنانکه در زیارت ناحیه می خوانیم: «مَعْتَرِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ»^۲ تو از لذتها و شهوات بریده ای.» او بر شادمانه های غیرخدایی یکسره چشم برمی بندد، چنانکه می خوانیم: «وَالْحَاطِكُ عَنْ نَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ»^۳ توجهت از شادمانه های دنیایی باز داشته شده است.» و این بود حکایت حسین و دنیا.

۹. لقبها

در اغلب زیارتها، سید شهیدان

بر بسیاری از القاب با تأمل نگریست، اما بی‌گمان شرط ادب و کمال آن است که معرفت جویان در این راه نیز گامی نهند، که بی‌تردید هرکدام دفتری مستقل می‌طلبند و پژوهشی ژرف. از این رو نوشتار ما با توجه به تکلیف اختصار از بسیاری بحثها می‌گذرد، به امید آنکه ره‌پویان دیگر در این وسعت پرنشاط و طراوت خوشه‌ای از گل‌های حسینی بر چینند. و ما از باب تیمن و عرض ادب دو شکوفه سلام را از باغ پرریحان زیارت ناحیه بر آن صاحب شافی عرضه می‌داریم: «السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ جَعَلَ اللهُ الشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِي، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قَبْتِي»^۱ سلام بر آن کس که خداوند در تربتش شفا را قرار داد. و سلام بر آن کس که اجابت [خواسته‌ها] در بارگاه اوست.»

پردازش واژگان در این موارد به گونه‌ای است که به زیبایی شخصیت حماسی سالار کربلا را به نمایش می‌گذارد. همچنین از آنجا که این گونه القاب در کنار لقبهای شهادتی و غم‌انگیز به کار می‌رود، فضایی متعادل و واقعی را فرا روی زائر باز می‌نماید.

ج - لقبهای شهادتی:

این لقبها ناظر به زوایای گوناگونی هستند، اما همگی در محور شهادت مظلومانه شریکند. مانند: «السَّلَامُ عَلَيَّ غَرِيبِ الْقُرْبَاءِ»^۱ سلام بر غریب غریبان. که به تنهایی آن حضرت در هنگام جهاد و شهادت اشاره دارد و یا «السَّلَامُ عَلَيَّ شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ»^۲ سلام بر شهید شهیدان. یا «اَكْرَمَ الْمُسْتَشْهِدِينَ»^۳ بزرگوارترین شهیدان. که هر دو بر جایگاه شهادتی حضرت نظر دارند. در این میان برخی لقبها در عین آنکه اشاره‌ای کنایه‌آمیز به شهادت دارند، منزلت حضرت را پس از شهادت به بیان می‌نشینند. مانند: «السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ الْقَبَّةِ السَّامِيَةِ»^۴ سلام بر صاحب بارگاه عالی رتبه.»

البته در این مجال اندک نمی‌توان

۱. همان، ص ۲۲. (غریب = دور از وطن)

۲. همان، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۶۲.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. همان، ص ۲۰.